

کلید حسن !

کلید حسن تو بگشود قفل سینه ما !

بیا ببین چه گهرهاست در دفینه ما !

به هیچ دفتری شعری ندیده ای ای ماه

ترانه ها که نهفته است در سفینه ما !

به سنگ طعنه مرنجان دل رمیده ز خویش

که تاب سنگ ندارند آبگینه ما !

صفای خلوت ما را کجا توانی یافت

که بزم عشق ندارد یکی قرینه ما !

ز بوستان صفای تو رو نمی تابد

گرش ز جور برانی دل کمینه ما !

بیا که معدن لعل و جواهر سخن است

سرای سینه خالی ز سوز کینه ما !

رضا شاپوریان

سه شنبه ۲۱ آبریل ۱۹۹۸